بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[نمیمه 2](#_Toc427879603)

[همزه ولمزه 2](#_Toc427879604)

[جمع بندی 2](#_Toc427879605)

[قواعد عامه 2](#_Toc427879606)

[1.حرمت ایذاء 2](#_Toc427879607)

[2.ادله حرمت کذب 3](#_Toc427879608)

[3.غیبت 3](#_Toc427879609)

[ادله روایات 3](#_Toc427879610)

[روایت اول 3](#_Toc427879611)

[بررسی روایت از لحاظ سند 4](#_Toc427879612)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 4](#_Toc427879613)

[1.دلالت بر حرمت نمیمه 4](#_Toc427879614)

[2.تطبیق شرار بر نمام 4](#_Toc427879615)

[3.مشی نمامی 4](#_Toc427879616)

[4. معنای جمله « الْمُفَرِّقُونَ بَینَ الْأَحِبَّةِ» 4](#_Toc427879617)

[روایت دوم 5](#_Toc427879618)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 5](#_Toc427879619)

# نمیمه

## همزه و لمزه

ممکن است کسی همزه و لمزه را به معنای نمامی تفسیر کند. اما این تفسیر، تفسیر قوی نیست. همزه و لمز بیشتر طعنه زدن است. در حضوروغیاب نیز تفاوتی نیست.

ممکن است نمامی گاهی بر طعنه و نیش و کنایه باشد اما همیشه این‌چنین نیست و مستلزم طعنه و کنایه نیست.

### جمع‌بندی

تمام ادله آیات قرآن را در بحث نمامی ذکر کردیم. یکی از این ادله تام و قابل‌قبول بود. بقیه آیات تام نیست.

# قواعد عامه

در این بحث، قواعد عامه‌ای وجود دارد. البته این استدلال به قواعد عامه تام نیست. اینکه به قواعد عامه تمسک می‌کنیم به خاطر این است که هرکدام از این‌ها هم ادله آیات و روایات دارند.

ادله عامه چند عنوان است که ممکن است به آن تمسک بشود.

## 1. حرمت ایذاء

در روابط اجتماعی، یکی از محرمات، حرمت ایذاء است. ایذاء مؤمن و مسلم حرام است.

ممکن است بگوییم حرمت ایذاء در نمامی وجود دارد. یعنی شخص آزرده می‌شود و روابط تیره می‌شود. اصل حرمت ایذاء به‌عنوان یک قاعده کلی، تام است. البته باید دو نکته را در اینجا، توجه کرد:

1. مطلق ایذاء، مراتب و درجات خفیفه را نمی‌گیرد. ادله از آزارهای خفیف، منصرف است. شواهد در روایات بر این امر ناظر است.

2. بین ایذاء و تیره‌کردن روابط دیگران با نمامی، عموم و خصوص من وجه است. در همه موارد این‌چنین نیست که نمامی باعث آزردگی در درجه شدید بشود. اگر حرمت ایذاء مطلق بود، یعنی آزارهای خفیف را اگر می‌گرفت، ایذاء شامل نمامی به صورت مطلق می‌شد. در آن صورت، ایذاء تمام مراتب نامی را شامل می‌شد و می‌توانستیم به‌عنوان یک دلیل به کار ببریم.

البته ادله ایذاء برای اثبات نمامی، از همه ادله قوی‌تر است.

## 2. ادله حرمت کذب

ممکن است به ادله دیگری نیز اطلاق کنند. مثل حرمت کذب.

البته باید گفت که همیشه نمامی با کذب جاری نمی‌شود. در خیلی از موارد، نمامی با صدق همراه است. همان حرف صادق و درست رابطه را به هم می‌زند. در نتیجه نمیمه با کذب عموم و خصوص من وجه است.

## 3. غیبت

ممکن است کسی ادله غیبت را به‌عنوان استدلال بیاورد. کسی که نمامی می‌کند، سخنی را از شخص نقل می‌کند و در غیاب شخص، سخنی را به وی نسبت می‌دهد. البته باید بدانیم که نمامی ملازم غیبت نیست. ممکن است نکته‌ای که شخص نمامی می‌گوید، مخفی نباشد. ممکن است کسی تحلیل و نظری بدهد و یا عیب مخفی نباشد که دلیل غیبت آن را بگیرد. البته خیلی از موارد نمامی یک نوع غیبت است؛ اما ممکن است نمامی بکند، درحالی‌که عیب مخفی را به شخصی نسبت ندهد.

عناوینی مثل اهانت و ... دیگری است که به صورت مطلق صدق بر نمامی نمی‌کند. تمام این‌ها نسبتشان با نمامی، عموم و خصوص من وجه است. اگر بین نمامی و این عناوین عموم و خصوص مطلق بود؛ دلیل می‌شد؛ ولی حال که نیست یعنی دو عنوان است. دو عنوان گاهی اجتماع می‌کنند. در اجتماع، به تعداد اجتماع، مرتکب حرام می‌شوند.

# ادله روایات

عمده همین روایات، اخبار و احادیث، حرمت نمیمه را برای ما مشخص می‌کند. این احادیث در باب 164، باب احکام العشرة آمده است. اسم این باب، باب تحریم النمیمه و المحاکات است.

## روایت اول

**«مُحَمَّدُ بْنُ یعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَ لَا أُنَبِّئُکمْ بِشِرَارِکمْ قَالُوا بَلَی یا رَسُولَ اللَّهِ- قَالَ الْمَشَّاءُونَ بِالنَّمِیمَةِ الْمُفَرِّقُونَ بَینَ الْأَحِبَّةِ الْبَاغُونَ لِلْبُرَآءِ الْمَعَایبَ.»[[1]](#footnote-1)**

بدان ما که هستند؟ پیامبر (ص) می‌فرمایند: کسانی که مشاء به نمیمه هستند. کارشان نمامی است. کسانی که بین دوستان فاصله می‌اندازند. کسانی که برای انسان‌های پاک و منزه، عیب پیدا می‌کنند.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت در کافی و من لایحضر آمده است. سند کافی، سند تامی است.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت چند نکته وجود دارد:

#### 1. دلالت بر حرمت نمیمه

پیامبر (ص) می‌فرماید: کسانی که نمیمه می‌کنند، اشرارند. وقتی اشرار به کار برود، اغلب حرمت فعل را می‌آورد. البته معنای اکراه را نیز دارد، ولی در آنجا نیاز به قرینه داریم.

#### 2. تطبیق شرار بر نمام

شر بودن گروه به خاطر نمامی کردن است.

اگر این دو نکته را در کنار هم بگذاریم، می‌توانیم بفهمیم که این مصداق حرام است.

در نتیجه این روایت، دلالت تام دارد.

#### 3. مشی نمامی

نکته بعد مشی نمامی است. با همان بیانی که در آیه عرض کردیم، الغای خصوصیت می‌کنیم و نمیمه را نیز در برمی‌گیرد.

#### 4. معنای جمله «الْمُفَرِّقُونَ بَینَ الْأَحِبَّةِ»

نکته بعد در مورد جمله «**الْمُفَرِّقُونَ بَینَ الْأَحِبَّةِ»** است. این جمله دو معنا دارد.

1. خود جمله یک عنوان مستقل است. همیشه این عنوان با نمامی است. ممکن است انسان روابط دوستان را به هم بزند ولی با نمامی این کار با نکند. این جمله قید بر نمامی نیست. به‌عنوان یک قاعده مستقل، مورد نکوهش قرار گرفته است. اگر این باشد، این روایت نشان می‌دهد که حرمت بر همان «**الْمُفَرِّقُونَ بَینَ الْأَحِبَّةِ» است**. یعنی رابطه بین دوستان را به هم بزنیم یکی از این روش‌ها نیز نمامی است. اگر مفرقون بین الاحبه اگر مطلق شد، قواعد عامه می‌شود و در نتیجه نمامی را می‌گیرد.

2. اگر حرمت بر مفرقون بین الاحبه واقع بشود، سؤال این است که آیا این علت بر نمامی است و یا علت نیست؟

اگر علت باشد، مشی نمیمه موضوعیت ندارد. یعنی عنوان اصلی همان حرمت مفرقون بین الاحبه است. اما اگر بگوییم علت نیست، در نمامی دو حرمت است، یکی حرمت تفریق است و دیگری حرمت نمامی است.

البته باید توجه داشت که «**الْبَاغُونَ لِلْبُرَآءِ الْمَعَایبَ»** نیز یک جمله مستقل است و موضوع مستقلی دارد.

## روایت دوم

**«وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یحْیی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یوسُفَ بْنِ عَقِیلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَیسٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَی الْقَتَّاتِینَ الْمَشَّاءِینَ بِالنَّمِیمَةِ.»[[2]](#footnote-2)**

امام باقر (ع) در این روایت می‌فرمایند: بهشت بر قتاتین حرام است. قتات همان نمام است.

این روایت از لحاظ سند اعتبار دارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

دلالت این آیه تام است. همان‌طور که قبل گفتیم، وعده ثواب، مفید وجوب نیست ولی اگر وعده عقاب داده شد، مفید حرمت می‌شود. نکته‌ی دیگر این است که اگر اشاره به محرومیت ثواب بشود، تفصیل قائل می‌شویم. حرمان از بعضی از نعم، دلالت بر حرمت نمی‌کند. نوعی از وعده حرمان است که مفید حرمت است، آن هم در جایی است که حرمان مطلق را بیان می‌کند. در این روایت می‌گوید که بهشت نمی‌رود، یعنی به جهنم می‌رود.

1. **- وسائل الشيعة، ج‏12، ص: 306.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- همان.** [↑](#footnote-ref-2)